

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۰ \* (درم ذی قعدة ۱۳۵۰)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شور و تصویب لایحه انحصار قند و شکر و کبریت
- ۳) شورانی لایحه اصلاح قانون انحصار دخانیات
- ۴) تقدیم دوفقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه
- ۵) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه پانزدهم اسفند ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*\*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

#### خبر کمیسیون

رئیس - آقای طباطبائی دیبا  
 طباطبائی دیبا قبل از دستور  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (نمابندگان -  
 خیر) صورت مجلس تصویب شد  
 [ ۲ - شور و تصویب لایحه انحصار قند و شکر و کبریت ]  
 رئیس - خبر از کمیسیون بودجه راجع بانحصار قند و شکر (موضوع قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴ را بعد از وضع سرمایه و مبالغی که مطابق ماده سوم قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ برای مصرف شکر و کبریت قرائت میشود

\* عین مذاکرات مشروح هفتاد و چهارمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵) دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : آشتیانی - مفتی - میرزا محمدخان وکیل - حبیبی - آصف .

غائبین بی اجازه آقایان : تیمورتاش - دبستانی - اورنگ - میرزا صادقان وکیل - بوشهری - حسنعلی میرزا دولتشاهی - فرشی - امیر تیمور - عبدالحمید خان دیبا - موقر - ملک آرائی - قراگوزلو - انبال - محمدناصرخان قشقایی - حاج غلامحسین ملک دیرآمدگان بی اجازه آقایان : میرزا اسید مهدیخان فاطمی - حاج میرزا حبیب الله امین - لیقوانی - اسفندیاری - مرتضی قلیخان بیات دکتر سمعی - مسعود ثابتی - حکمت .

مقرر در ماده ۹ همان قانون و هم چنین حقوق گمرکی و عوارض راه (موضوع قانون ۱۹ بهمن ۱۳۰۴) و سایر عوارض مقرر در جزء عایدات عمومی مملکت محسوب نماید ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون انحصار ورود و هم چنین خرید و فروش کبریت بدوات و گذار شده و عوائد حاصله از آن بعد از وضع سرمایه بجمع عایدات عمومی مملکتی منظور خواهد شد

ماده سوم - وزارت مالیه مجاز است در سال ۱۳۱۱ برای سرمایه و مخارج اجرای انحصار دولتی قند و شکر و کبریت از بانک ملی یا یکی از بانکهای دیگر تا مبلغ سه ملیون تومان قرض کند و اصل و فرع آنرا از محل عوائد حاصله از معاملات قند و شکر و کبریت بردارد.

تبصره - ماده ۱۰ قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

ماده چهارم - حقوق مذکوره در ماده سوم قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ شامل قند و شکر مصنوع داخلی نیز خواهد بود

**رئیس** - چون در ماده سوم این قانون برای سال ۱۳۱۱ پیش بینی شده بود کمیسیون بودجه جدید هم در این ماده اظهار نظر کرده است قرائت میشود.

#### خبیر کمیسیون

کمیسیون بودجه جدید بریاست آقای بیات تشکیل و خبیر کمیسیون بودجه قدیم و لایحه نمره ۴۸۷۴۷ دولت مطرح شود قرار داد نسبت باعتبار سه ملیون تومان برای سرمایه و مخارج اجرای انحصار دولتی قند و شکر و کبریت موافقت نمود.

**رئیس** - مذاکره در کلیات است (مخالفتی نیست) رأی میگیریم برورود در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

ماده اول - دولت مجاز است از تاریخ تصویب این قانون منافع حاصله از انحصار خرید و ورود و فروش قند و شکر (موضوع قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴) را بعد از

پیشنهاد را کردم ضرری هم در آن نمی بینم. و اگر موافقت فرمایند که این موضوع مخصوص اختصاص داده شود بصحبه بیشتر به نفع مملکت و مردم تمام میشود.

**وزیر مالیه (آقای تقی زاده)** - نیت آقای ملک زاده البته خیلی صحیح و بلك است ولی این که سابقاً نگرانی از این بوده است همیشه در سال های قبل که بعضی از عایدات بمصارف غیر ضروری خودش میرسد و نقله میشود میقتند از پوست بره يك چیزی کنار بگذارید برای صحبه مالیات ارضی را هم صدی سه یا سه و نیم بکنیم و حسابش را علیحده بگذاریم برای معارف. ولی الحمدلله امروز آنطور نیست و اگر بودجه را ملاحظه فرمائید (امروز همه اش را تقدیم میکنم) اشخاص قدیم میگفتند که بیشتر بودجه را اشخاص و مستخدمین میبرند در صورتیکه اگر این بودجه را ملاحظه فرمایند خودتان شکایت دارید از این که چرا بمستخدمین بقدر کافی نمیرسد و بجد کافی تخصیص داده نشده و بیشتر بمعارف و صحبه و مؤسسات عام المنفعه تخصیص داده شده و بعلاوه آنچه که تأسیس میشود از عایدات همین قانون است و از عایدات معینی نیست. این که فرمودید البته يك خیال خوبی است وقتی که آن نگرانی که عرض کردم در کار باشد ولی اگر بنا شد بشود بقدری زحمت و درد سر و محاسبه دارد که وزارت مالیه عاجز میشود (صحیح است) در امور اداره کردنش.

**رئیس** - آقای ملک زاده پیشنهادتانرا مسترد کردید؟

**ملک زاده** - بلی

**رئیس** - آقای خبیر فرمایشی دارید؟

**دکتر طاهری** - يك کلمه و عوارض راه بعد از کلمه سرمایه در سطر سوم باید اضافه شود باین طور که عوائد حاصله از آن بعد از وضع سرمایه و عوارض راه بجمع عایدات مملکت میرسد « جمله و عوارض راه » بعد از کلمه « سرمایه » اضافه شود.

**رئیس** - آقای وزیر هم با این اصلاح موافقتند.

را مکرر هم عرض کرده ام) موضوع صحبه عمومی یکی از مؤثرترین موضوعی است که حقاً باید مورد توجه دولت و مجلس واقع شود و متأسفانه بعقیده بنده بودجه صحبه در ضمن بودجه کل مملکتی آن موقعیتی را که حقاً باید حائز باشد دارا نیست. و بهترین دلیلی که دارم برای اینکه بیشتر باید صحبه را دولت مورد توجه قرار بدهد احصائیه است که از تلفات نفوس و مبتلایان زمستان سال گذشته در دست است راجع بشهر طهران. تلفات شهر طهران همیشه در حدود ده یا زده الی دوازده نفر در روز بوده است تقریباً از سیصد الی سیصد و پنجاه نفر در ماه تجاوز نمیکرده ولی اگر باحصائیه زمستان گذشته مراجعه شود و البته آقای وزیر داخله از نظرشان گذشته و در بعضی جرایم هم بوده است. عده تلفات هم تقریباً دو برابر بوده است و نشده نمیخواهم واقعاً بسکوت بگذارم که يك همچو موضوع مهمی که راجع به حیوة مملکت است بسکوت و خونسردی بگذرد و مورد توجه واقع نشود زیرا از هر نقطه نظر که حساب کنیم بهترین سرمایه مملکت داشتن اشخاص سالم و صحیح المزاج است. از نقطه نظر اقتصاد سرمایه مملکت محسوب میشود از نقطه نظر نظامی همینطور. از هر نقطه نظر رعایت این موضوع در درجه اول اهمیت واقع است و این موضوعی که بنده پیشنهاد کرده ام سابقه هم داشت در ادوار گذشته هم شاید آقایان در نظر داشته باشند که در مجلس حفظ الصحه و مجالس رسمی و صحی مذاکره میشد که خوب است يك مالیات و عوایدی اختصاص به صحبه داده شود و مخصوصاً در موضوع کبریت مذاکره میشد که این يك عوایدی است و تحمیل زیادتی هم نیست خوب است عواید اینرا اختصاص بدهند به صحبه مملکت. در این موقع که از طرف دولت يك نفر مستشار و متخصص هم از خارجه برای صحبه استخدام شده است بعقیده بنده موفقیات این شخص متخصص فقط موکول باین است که يك بودجه نسبتاً وسیعی داشته باشد تا بتواند يك اقداماتی برای صحبه عمومی مملکت بنماید. این بود که بنده این



## وزیر مالیه - بلی

رئیس - آقایانی که با این ماده موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم.

ماده سوم - وزارت مالیه مجاز است در سال ۱۳۱۱ برای سرمایه و مخارج اجرای انحصار دولتی قند و شکر و کبریت از بانک ملی یا یکی از بانک های دیگر تا مبلغ سه ملیون تومان قرض کند. و اصل و فرع آنرا از محل عواید حاصله از معاملات قند و شکر و کبریت بپردازد تبصره - ماده ده قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا - ظاهر ماده این است که این وجهی که دولت برای سرمایه معین میکند در همان سال که هزار و سیصد و یازده باشد قرض میکند و در همان سال هم پرداخت میکند. خبر اولی کمیسیون بعقیده بنده بهتر بود زیرا این عبارت نبود و کلمه حساب جاری هم بود حالا آن حذف شده یعنی هم هزار و سیصد و یازده این جا نوشته شده و هم جمله حساب جاری در این جا حذف شده و بنده تصور میکنم که اگر جمله حساب جاری باشد بهتر است. و وزارت مالیه که این قرض را میکند مجبور نباشد که در همان سال هزار و سیصد و یازده که این قرض را کرده پرداخت نماید. و بحساب جاری

قرض میکند بعد هم پرداخت نماید.

رئیس - آقای مخبر توجه فرمودید؟

وزیر مالیه - آنقدر که بنده ملتفت شدم مقصود آقا این است که قرض ثابت شود و بحساب جاری باشد همینطور هم خواهد شد حساب جاری یا غیر جاری هر دو عنوان قرض را دارد متنها قرضی ثبت است و قرضی بعنوان جاری ما هم البته بحساب جاری خواهیم گرفت و فقط برای یکسال است و یکساله مسترد خواهد شد.

دیبا - در همان سیصد و یازده مسترد خواهد شد؟

وزیر مالیه - بلی.

رئیس - آقایانیکه با ماده سوم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم.

ماده چهارم - حقوق مذکوره در ماده سوم قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴ شامل قند و شکر مصنوع داخلی نیز خواهد بود.

رئیس - اشکالی ندارد؟ (اظهار شد خیر) آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است.

(کازرونی - مخالف نیست) موافقین ورقه سفید خواهند داد.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هفتاد و هفت

ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلان رأی نود و دوی

اکثریت هفتاد و هفت رأی تصویب شد. ✽

اسامی رأی دهندگان - آقایان: محمد علی میرزا دولتشاهی - درباری - سید محمد محیط - سهرابخان ساکتیان - مقدم دکتر ملک زاده - دکتر امیراعلم - حسنعلی میرزا دولتشاهی - حسینقلی خان نواب - دکتر شیخ - معتمد سنک - رهبری - شریعت زاده دکتر آنتان - ملک مدنی - میرزا محمد حسین نواب - محمد ناصر خان قشقائی - اسمعیل قشقائی - میرزا علی چایچی - فهیمی - اسکندری دکتر ضیائی - فتوحی - دکتر احتشام - بیات ماکو - میرزا احمدخان صفاری - مؤدومی - طهرانچی - اورنگ - میرزا محمدعلیخان تربیت شریفی - اعتبار - دکتر عطاءالله خان سبعمی - طالش خان - میرزا یاس - مجد ضیائی - دادور - مسعودی خراسانی - عراقی ابراهیم قوام - روحی - مرتضی قلیخان بات - علی اعظم زنگنه - هزارجریبی - اسدی - آخوندیاری علی - فتحعلیخان بختیار - محمد تقیخان اسعد دکتر سنک - مولوی - طباطبائی دیبا - ابوالحسنخان پیرنیا - همراز - بوشهری - ملک زاده آملی - دکتر طاهری - جمشیدی - تهرانی اسلامی افخمی - بقوانی - وهاب زاده - دهستانی - ایزدی - احتشامزاده - حاج محمد رضا بهبهانی - امیر دولتشاهی - افسر - ناصری سید کاظم زدی - مخبر فرهاد - میرزا فتح الله خان قزوینی - مؤید احمدی - حیدری - لاریجانی متضدی - امیر ابراهیمی

## [ ۴ - شور ثانی لایحه اصلاح قانون انحصار دخانیات ]

رئیس - خبر از کمیسیون قوانین مالیه راجع بانحصار دخانیات مطرح است شور دوم

مخبر کمیسیون قوانین مالیه (کازرونی) - راپورتی در تاریخ ۱۲ اسفند در تحت نمره ۳۰۶ طبع و توزیع شده لکن چون لازم شد که تجدید نظری شود با حضور آقای وزیر مالیه و اعضاء کمیسیون تجدید نظر کردند و راپورت ثانوی تهیه شد لازم دانستم تذکر بدهم که خبر اخیر ذیل نمره ۳۰۸ مورخه ۱۸ اسفند را مطرح قرار بدهید.

رئیس - ماده اول ترائت میشود.

ماده اول - حق وارد و صادر کردن در حدود مقررات قانون انحصار تجارت خارجی و خرید و فروش و تهیه و نگاهداری و حمل و نقل اجناس دخانیه و انواع کاغذ سیگار و متفرعات آن در کلیه مملکت منحصر بدولت و این انحصار موسوم بانحصار دولتی دخانیات خواهد بود و همچنین حق نگاهداری و بکار انداختن ادوات توتون بری و ماشین های کاغذ بری و صحافی کاغذ سیگار و کیلز ریزی و ماشین های سیگار بیچی و متفرعات آن مختص بمؤسسه انحصار دخانیات است.

مؤسسه انحصار حق خواهد داشت کلیه ادوات و ماشین های مذکور در فوق را که اجازه نگاهداری و بکار انداختن آنها را بکسی نداده و همچنین ماشین ها و ادوات آنها را که اجازه نگاهداری و بکار انداختن داده و بعد سلب نموده است از صاحبان آنها خریده و قیمت آنها را بپردازد.

خریداری ماشین و ادوات مذکوره برطبق تقویم دو مقوم از طرف مؤسسه انحصار و صاحب مال خواهد بود و در صورت عدم توافق مقومین مقوم مشترکی تعیین و تقویم او قاطع خواهد بود و مؤسسه انحصار حق خواهد داشت قیمت مزبور را بصاحب مال پرداخته ادوات و ماشین های مذکوره را تصاحب نماید.

رئیس - آقای ونوق

ونوق - بنده موافقم

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده بااساس این لایحه موافقم خاصه با اصلاحاتی که در خبر ثانی کمیسیون مالیه شده است حقیقتاً می توان يك درجه امید وار شد که با این ترتیبی که در خبر ثانی کمیسیون هست مالکین و زارعین يك درجه آسوده میشوند ولی میخواستم عرض کنم که با وجود ماده چهارم که حق انحصار را بمعنای حقیقی بدولت میدهد دیگر این ماده اول زیاد است. ماده اول هم حق انحصار را به دولت میدهد ماده چهارم هم حق انحصار را بمعنای حقیقی به دولت میدهد یا باید ماده اول را بر داشت یا باید نوشت ماده اول در سنه ۱۳۱۲ حق وارد کردن و صادر کردن یعنی انحصار را به معنای حقیقی دولت میخواهد حمل کند یا بدولت است. این است که بنده این ماده را زیاد میدانم. بعد هم این جا يك لفظ تهیه است که انحصار تهیه دخانیات را بدولت میدهد. تهیه توتون غیر از تهیه حبوبات و غلات است. حبوبات و غلات همینکه میرسد میبرند در صورتیکه تهیه توتون بعد از درو کردن خشک کردن می خواهد و چیز هائی لازم دارد. اگر چه میدانم مقصود دولت از «تهیه دولت» این نبوده که تهیه را هم دولت بخودش اختصاص بدهد ولی چون ممکن است اسباب زحمت شود بنده عقیده ام این است که عوض این لفظ (تهیه) عبارت دیگری بگذارند که فردا که زارع خواست تهیه و آماده کند. ما مورین دولت نیابند بگویند تهیه هم منحصر بدولت است. این طرز نباشد. بعد این جا يك لفظ سلب هم هست ماشین هائی که دولت بمردم اجاره داده میخواهد بعد آنها را سلب کند. این سلب البته بی جهت نخواهد بود لایحه يك جهتی دارد که می خواهد سلب کند آنها باید در اینجا تصریح شود که بيك جهتی از جهات مشروع در حقیقت دولت می تواند سلب کند زیرا دولت تشخیصی که این اجاره را داد دیگر حق سلب نخواهد داشت مخبر (آقای کازرونی) - اولاً آنجا که فرمودند ماده



چهارم یا ماده اول زیاد است بنده گمان نمیکنم زیاد باشد برای این که ماده اول حق انحصار را بدولت میدهد ماده بعد میگوید دولت میتواند این حق را بمردم واگذار کند یعنی آنچه هائی را که آنجا گفته در ماده چهارم میگوید این حق از خود دولت هم سلب شده و این منافاتی ندارد. اما آنجا که فرمودید تهیه ملاحظه بفرمایند دولت بعد از خرید و فروش تهیه میکند البته دولت که خرید تهیه میکند دولتی که میخواهد بفروشد البته تهیه هم لازم دارد میفرمائید بخرد ولی تهیه نکند! و تهیه نکردم بمردم بفروشد! اینکه نمیشود یک چیز دیگر هم فرمودید راجع به سلب. بعد از آنکه ما گفتیم خرید و فروش و تهیه وارد کردن وسایل چیزهای متعلق بان بادولت است و حق دولت است. آنوقت این حق را موقتاً میتواند باشخاصی بدهد و همانطور که می تواند برای یکسال موقتاً بدهد می تواند سلب کند و این منافاتی باهم ندارد.

**رئیس** - آقای طهرانچی.

**طهرانچی** - بنده میخواستم توضیح بفرمایند قسمت اخیر این ماده را که مینویسد «و در صورت عدم توافق مقومین مشترک تعیین و تقویم او قاطع خواهد بود.» این مقوم مشترک را کی باید تعیین کنند؟ مقومین باید تعیین کنند یا خود صاحب مال و اداره انحصار؟ در صورتیکه صاحب مال و مؤسسه انحصار باید تعیین کنند اگر توافق پیدا نکردند چه خواهد شد اگر مربوط بمقومین باشد این چندان اشکالی ندارد ولی اگر با خود صاحب مال و اداره دخانیات باشد آنوقت تکلیف چیست خوبست توضیحی بفرمایند که درست معلوم شود.

**مخبر** - عرض کنم آن دو نفر مقومین که اول گفتیم هر يك از آنها را یکی از طرفین معین کرده و مقوم ثالث را در صورت لزوم به اشتراك معین خواهند کرد. اینکه فرمودید برای مقوم ثالث چه صورت خواهد داشت؟ (طهرانچی بنده همچو عرضی نکردم رأی مقوم ثالث حاکم خواهد بود) دولت است از يك طرف و شخص مالك است از طرف

دیگر و اینهم مقهم همین معنی است. بعد از آنکه يك نفر مقوم مشترك معین کردند این مقوم مشترك منفرداً هم رایش قاطع است. یعنی اگر مخالف پیدا شد بین این رای مقوم ثالث بان دو نفر مقوم اولی رای ثالث رجحان دارد و قاطع است **اعتبار** - این توضیح نشد.

**وزیر مالیه** - يك نکته باقی ماند از آنچه که آقای طهرانچی فرمودند راجع باین که اگر در مقوم مشترك موافقت حاصل نشد چه میشود. مسلم است هر چه میخواهند مینویسند این چیزها را در سایر قوانین در قوانین مالیه و قوانین اصلی و لواحق تجارتي هم مینویسند. طرفین حکم در حکم مشترك اگر موافقت نشد با قرعه معین میکنند همه اینها را میشود نوشت ولی این مرسوم مملکت شده است که توافق بکنند یا در باب حکم ثالث و یا در باب قرعه. اگر بخواهید نوشته شود بنده حرفی ندارم ولی همچو اشکالی پیش نخواهد آمد زیرا يك جورى راجع به مقوم مشترك توافق خواهد شد.

**رئیس** - آقای اعتبار.

**اعتبار** - بیاناتی را که آقای طهرانچی فرمودند کاملاً وارد است برای این که مقومینی در ابتدای امر البته معین میشوند این مقومین اگر توافق نکردند آنوقت يك مقوم مشترك به عقیده بنده باید برای ضرورت کار آن مقومین معلوم کنند آنوقت اینجا ما قائل شده ایم مثل همان حکمیتی که آقای وزیر مالیه اشاره کردند. حکمیت با کثرت است یعنی سه حکم که معین شد و رای داد اکثریت قاطع است ولی ما اینجا گفتیم که تقویم آن یک نفر مقوم مشترك حل میکند قضیه را آنوقت آن دو نفر ذی نظر نخواهند بود فقط آن يك نفر مقومی که دو نفر مقومین تعیین کرده اند است که نظرش هر چه هست قضیه را قطع میکند این است که بنده خیال میکنم برای این که اشتباه نشود بهتر این است که نوشته شود این يك نفری که آن دو نفر مقوم با توافق معین خواهند کرد برای این که اگر غیر از این باشد ممکن است سه ماه خود این مسئله طول بکشد

و اسباب زحمت خواهد شد و بضرر مردم است. **وزیر مالیه** - میفرمایند این دو نفر مقوم مقوم ثالث را معین کنند یا صاحبان اصلی مسئله بنظر بنده بهتر است که خود صاحب کار معین کند ولی این که فرمودید این را میشود نوشت که در صورت عدم توافق هم بترتیب انتخاب حکمیت معموله انتخاب میشود. این را پیشنهاد بفرمائید قبول میکنم. اما این که فرمودید این جا گفته شد رأی مقوم ثالث قاطع خواهد بود. این طور باشد بهتر است ولی اگر بنویسیم اکثریت اسباب اشکال است زیرا مقوم دولت يك رأی فرض کنیم داشت و مقوم مشترك يك رأی. آنوقت اکثریت حاصل نمیشود ولی اگر یکی از دو مقوم رأی مقوم ثالث را دارد حتماً اکثریت است و اگر ندارد رأی ثالث حتماً باید اجرا شود. و اما راجع به مقوم مشترك عرض کنم که با مقومین معین کنند یا صاحب مال و اداره هر طور که میخواهید بنویسید و در صورت عدم توافق هم بترتیبی که در حکمیت معمول است باشد مانعی ندارد هر طوری که میخواهید بنویسید. **رئیس** - پیشنهادی از آقای افسر رسیده است قرائت می شود:

**پیشنهاد آقای افسر**

بنده پیشنهاد میکنم اگر دو مقوم اختلاف نظر پیدا کردند آن دو نفر مقوم مشترکی پیدا کنند **رئیس** - آقای افسر

**افسر** - عرض کنم همینطور که آقای وزیر مالیه فرمودند در این چند سال که حکمیت در قانون عدلیه و مالیه پیدا شد به خیلی مشکلات برخوردند و از همه ساده تر و آسانتر همین است که اگر دو مقوم اختلاف نظری پیدا کردند يك مقوم مشترکی خودشان پیدا کنند و آنوقت همانطور که فرمودند اکثریت حاصل میشود یعنی البته یا موافق آن یکی خواهد بود یا با دیگری و الا غیر از این اگر باشد ممکن است او يك رأی پیدا کند برخلاف هر دو نفر مقوم یعنی نه آن قبول کند و نه این و این

فایده ندارد و مناط اکثریت است بنابر این بعقیده بنده بهترین است که اگر دو نفر اختلاف پیدا کردند يك نفر ثالث را خود آن دو نفر انتخاب کنند

**مخبر** - لیکن خوب بود در نظر می گرفتید که اگر اکثریت پیدا نشد یعنی آن سه نفر مقوم هر يك يك نظر خاصی داشتند باز باید يك نفر معین شود غرض این است که يك رأی قاطعی در قانون ما باید در نظر بگیریم و چون ممکن است که هر يك از این مقومین يك نظر خاصی پیدا کنند و در این صورت اکثریت ندارد و ناظر جنابعالی نمیشود موافقت کرد مگر این که اصلاح بفرمائید پیشنهادتان را.

**افسر** - بنده پیشنهاد کرده ام يك نفر خودشان معین کنند

**اسمعیل خان قشقائی** - باید نوشته شود رأی مقوم ثالث قاطع است.

**وزیر مالیه** - ایشان صحیح میفرمایند ولی بدون اکثریت اگر نظر آنان این است که مقومین ثالث را معین کنند مانعی ندارد.

**افسر** - مقصود همین است بنده اصراری در اکثریت ندارم.

**رئیس** - يك بار دیگر پیشنهاد آقای افسر خوانده میشود آقای وزیر مالیه ملاحظه بفرمایند.

**پیشنهاد آقای افسر**

بنده پیشنهاد میکنم اگر دو مقوم اختلاف نظر پیدا کردند آن دو نفر مقوم مشترکی پیدا کنند

**افسر** - معین کنید نوشته شود

**رئیس** - آقای مخبر موافقتند؟

**مخبر** - بلی.

**رئیس** - پیشنهاد آقای مؤید احمدی قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای مؤید احمدی**

بنده پیشنهاد میکنم عبارت اخیر این قسم نوشته شود: در صورت عدم توافق مقومین اداره انحصار و مالك مقوم



مشترکی تعیین الی آخر ماده .

**رئیس** - آقای مؤید احمدی .

**مؤید احمدی** - چون در این جا رأی این حکم مشترک قاطع است این طور پیش بینی شده نه اکثریت همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده عقیده ام این است که اگر توافق نظر بین مقومین پیدا نشد اداره انحصار و مالک مشترکاً يك نفر را انتخاب کنند که رأی او قاطع باشد برای این که هم اداره انحصار او را معین کرده هم صاحب مال آنوقت قیمتی که او معین میکند رأیش قاطع است ولی در صورتیکه مقومین معین کنند نه صاحب مال معین کرده و نه اداره انحصار از این جهت بنظر بنده این پیشنهاد عملی تر و بهتر است .

**وزیر مالیه** - آقا این پیشنهاد این مسئله را حل نمی کند منظور این است که آیا مقومین این مقوم ثالث را معین کنند یا صاحب مال يك مطلب دیگر این است که اگر توافق نظر حاصل نشد وقتی که بگوئیم دو نفر مقوم توافق نظر حاصل نکردند آنوقت باز باید برود به دو نفر اصلی رجوع کنند و باز باید بگوئیم که اگر دو نفر اصلی توافق حاصل نکردند چه میشود؟ بالاخره باید یکی از این دو نفر را معین کرد یا مقومین یا صاحبان مال آنوقت باید معین کرد که اگر آن دو نفری که باید مقوم ثالث را انتخاب کنند توافق نظر حاصل نکردند بترتیبی که در حکمیتها معمول است عمل بشود

**رئیس** - این دو تا پیشنهاد با هم دیگر مخالفت پیدا کردند برای اینکه پیشنهاد آقای افسر را قبول کردند که مقومین باشد .

**وزیر مالیه** - باید يك کلمه فقط اضافه کرد که اگر طرفین در انتخاب مقوم مشترك توافق نظر حاصل نکردند بترتیبی که در حکمیتها معمول است عمل خواهد شد .

**افسر** - بسیار خوب ما قبول داریم .

**رئیس** - نظر آقای اعتبار هم تأمین است؟

**اعتبار** - اجازه میفرمائید؟

**رئیس** - پیشنهادتان را بخوانند بعد بفرمائید .

### پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه مقوم مشترکی اضافه شود با انتخاب مقومین .

**رئیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - عرض کنم این بنظر بنده هیچ اشکالی پیدا نمیکند و نمیتوانیم مطابق قانون حکمیت اینرا حل کنیم برای اینکه در اینجا نوشته ایم در صورت عدم توافق مقومین مقوم مشترك تعیین و رأی او قاطع است او که کفتم مقصود آنشخص سوم است یعنی دیگر مقوم بنده و یا طرف هیچ تأثیری ندارد و در موضوع هم نمیتوانند وارد شوند فقط مقوم سوم است که مطلب را در نظر میگیرد و هر چه که او تشخیص داد و رأی داد قاطع است و اینرا بگوئیم که اگر توافق نشد برای تعیین مقوم ثالث آنوقت برود روی قانون حکمیت نمیشود برای اینکه قانون حکمیت نظر اکثریت است بنظر بنده بهتر این است که اینرا همینطور که هست بگذاریم فقط اضافه کنیم که تعیین مقوم مشترك را مقومین بکنند و اینرا ازین جهت بنده پیشنهاد کردم که مقومین معین کنند که صاحبان مال یا دولت بکنن است موافقت نظرشان موجب تأخیر شود و هر کدام نظر خاصی داشته باشند ولی مقومین این اشکال را ندارد برای اینکه مطلب قطع شود و اینکار را تمام کنند توافق میکنند این بود نظر بنده

**وزیر مالیه** - بنده تصور میگردم این مطلب خیلی

جزئی است اول دو مطلب بیشتر نبود بعضی از آقایان میگفتند که مقوم مشترك را این دو مقوم معین کنند یا صاحب مال و اداره انحصار این يك موضوع بود این موضوع معلوم شد که دو نفر مقوم معین بکنند و يك موضوع دیگر این بود که اگر آن دو نفر مقوم توافق نکردند چه کار بکنند غیر از مطالب مطلب ثالثی نداشتیم این البته بخاطر می آید آمدند توافق نکردند در مقوم مشترك و همینطور مسئله ماند این يك راه حلی میخواید بنده عرض کردم بترتیبی که در حکمیتها معمول است عمل بکنند عرض نکردم مطابق قانون حکمیت حالا وقتی که پنج نظر را در آخر

ماده بنویسند بالاخره آن پنج نظر را تکرار بفرمایند باز میگردد روی همان نظر بنده که مطابق ترتیب حکمیت عمل کنند بنده عرض نکردم شامل کنیم سایر شرائطش را روی آن قانون که اکثریت پیدا نشد یا چطور شد یا بمحکمه تجارت رجوع شود این مسئله که توافق بین حکمین راجع به حکم مشترك نشد این معمول شده است در حکمیت و غیر حکمیت هم معمول شده است حتی در انتخاب مقومین هم معمول شده است این را رجوع کنند به آنجا بترتیبی که معمول است یعنی قرعه میکشند عوض اینکه تمام آن نظر را بنویسیم مینویسیم بآن ترتیب حل میشود برای اینکه اشکالی باقی نماند و الا چیز دیگری نیست

**رئیس** - رأی بگیریم آقای اعتبار به پیشنهادتان؟

**اعتبار** - خیر بنده عرضی ندارم .

**رئیس** - پیشنهاد دیگری از آقای شریعت زاده

رسیده است :

**پیشنهاد آقای شریعت زاده**

قسمت اخیر ماده اول را به ترتیب ذیل اصلاح میکنم: اگر بین دو مقوم توافق حاصل نشود اداره انحصار و صاحب مال بتراضی مقوم مشترکی معین خواهند نمود در صورت عدم توافق بین مالک و اداره مقوم مشترك بوسیله قرعه بین اشخاصی که مالک و اداره بعده مساوی معرفی خواهند نمود معین میشود . رأی مقوم مشترك قطعی خواهد بود .

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - در این جا اشتباهی شده و آن قیاس در تعیین خبره با حکم است و در اجرای این امر در موقع تعیین خبره با حکم اشتباه شده این جا يك خبره معین میکنند که متخصص است ولی حکمیت يك نوع قضاوت است بنابر این چون مطلب اهمیت دارد باید طرفین دخالت داشته باشند در تعیین خبره و فقط قانون موردی را باید منظور کنند که موافقت حاصل شود آنهاهم وسیله صحیح وسیله

قرعه است این بود که بنده این طور پیشنهاد کردم که با رضایت مالک و اداره انحصار در صورتیکه بین آن دو مقوم اختلاف نظری حاصل شد يك خبره مشترك یعنی مقوم مشترك انتخاب کنند و اگر توافق در تعیین مقوم مشترك حاصل نشود مثلاً سه نفر از اینطرف و سه نفر از آن طرف معین شود و بین آنها بقرعه معین کنند و این هم يك اصولی است معمول همه جا حالا خوب است آقای وزیر مالیه برای این که مباحثه قطع شود همین را قبول کنند .

**وزیر مالیه** - مطلب غیر از طولش عیبی ندارد اما این که بنده عرض کردم خیلی کوتاه تر بود این که بنده عرض کردم که اگر توافق نشد مطابق ترتیب حکمیت عمل کنند منظور این نیست که حکم معین کنند و عمل تفاوت داشته باشد و سایر مطالبی که در حکمیت هست این جا بیآوریم آن جا برای حکم مشترك يك ترتیبی گذاشته اند و عوض این که آن دو سطر را بنویسیم میتوانستیم همانطور که عرض کردم نوشته شود ولی اگر يك کلمه آن جا نمی نوشتید عیب نداشت حالا آقای شریعت زاده يك چیزی هم اضافه کرده اند که اول مقومین مقوم مشترك معین کنند اگر آن نشد صاحب مال و اداره (شریعت زاده - بنده همچو عرس نکردم) و بعد اگر توافق نکردند آنوقت تازه باید بروند و اسم بنویسند و خیلی مفصل تر است و بنده تصور میکنم آن پیشنهاد اولی بهتر است که مقوم طرفین يك مقوم مشترك معین کنند و اگر توافق حاصل نشد بترتیبی که در انتخاب حکم و غیره معین است عمل شود .

**شریعت زاده** - اجازه میفرمائید .

**رئیس** - يك مرتبه بیشتر نمیشود مذاکره کرد .

**شریعت زاده** - يك اشتباهی شده است

**رئیس** - معمول نیست .

**شریعت زاده** - سوء تفاهمی در پیشنهاد بنده شده

است . اجازه میفرمائید .



رئیس - بفرمائید.

**شریعت زاده** - بنده عرض نکردم خبره های طرفین معین کنند بنده از اول عرض کردم طرفین در صورتیکه موافقت کنند خودشان والا بترتیب قرعه و بهیچوجه خبره های طرفین را دخالت ندادم.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.  
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. آقای وزیر مالیه حالا لایحه دو وضعیت پیدا کرد یکی این است که لایحه به کمیسیون اعاده شود برای اینکه مطابق نظامنامه اگر پیشنهادی قابل توجه شد در همان روز نمیشود رأی قطعی گرفت یکی دیگر اینکه بقیه مواد را تعقیب کنیم و این ماده برود به کمیسیون.

**وزیر مالیه** - بنده که موافق بودم فقط گفتم که طولانی است و عرض کردم عیبی ندارد مگر این که قدری طولانی و مفصل است و مناسبتر است مختصر تر باشد حالا اگر بنده قبول کنم عیبی ندارد و آقایان اشکالی نمی بینند که رأی گرفته شود؟

رئیس - ماده بعد را طرح میکنیم تا این باب فکر کنیم. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - کلمه اجناس دخانیه پس از برداشت محصول و خشک نمودن باید در ظرف سه الی ششماه بر حسب تشخیص مؤسسه انحصار متدرجاً بانبار هائیکه آن مؤسسه در نزدیکترین محل دسترس زارعین یا مرکز بلوک یا ولایت معین خواهد نمود و وارد شود. مؤسسه انحصار در هر محل باقتضای موارد موعده را برای ورود اجناس دخانیه بانبارهای دولتی لازم میدانند قبلاً معین نموده و در ظرف آن مدت هرگونه نظارتی را که لازم بداند بعمل خواهد آورد.

**مخبر** - اول سطر چهارم (یعنی قبل از خواهد نمود) يك حرف (که) زیاد طبع شده حذفش فرمایند.

رئیس - در قرائت اگر رعایت فرمودید تلفظ نشد

هائی که دولت معین میکند بیاورند و آقایان در این باب چون زیاد بحث شده است مسبوق هستند که عمده مسائل همان آوردن بانبار است بعد از آن بانبار دیگر زحمتی ندارد و اگر در این باب مسامحه نشود دیگر اشکالی باقی نمی ماند و همه نوع مجازات و جریمه برای همین است و دیگر لزومی ندارد که مامورین بد هات بروند و در راه تفتیش کنند که به بیند چیزی قاچاق میکنند یاخیر اگر این قسمت اصلاح شود و بانبار بیاورند دیگر اشکالی ندارد.

رئیس - آقای شریعت زاده.

**شریعت زاده** - بنده يك نظری دارم که خودم هم به صحتش اطمینان ندارم این است که بصورت استفسار عرض میکنم و آن این است که هر زارعی بعد از برداشت محصول و خشک کردن مکلف است در ظرف ششماه بانبار بیاورد فرض بفرمائید بنده يك تاجر می هستم انبار دارم و میخواهم مقداری توتون برای یکسال تهیه کنم و کهنه شود مناط اعتبار در منع نگاهداری در انبار فروش است که حتماً باید بفروشد یا خیر آیا این ماده شامل منع این معنی هم هست که يك رعیت یا يك زارعی اگر انبار صحیح خودش داشته باشد و وقتی خواست بفروشد تسلیم اداره کند مانعی دارد؟ خواستم این را بفهمم.

**وزیر مالیه** - این جای نگرانی ندارد اولاً مسئله انبار که دولت بنا کرده منظور نیست در هر بلوکی دولت همان انبار مردم را اسمش را انبار دولتی میگذارد و يك نظارتی دارد که باسانی میتواند جنس خودشان را آن جا بیاورند و بعد از آوردن به انبار مال خودش است و فقط شرطش آوردن است در انبار دولت یعنی در تحت نظارت دولت هر وقت که بخواهد میتواند بفروشد و هر قدر که بخواهد میتواند نگاه دارد و هیچ نوع زحمتی نیست و اگر آقایان از خارج اطلاع کامل داشته باشند در موضوع دخانیات خیلی ارفاق و سهل گیری و وسعت در کار است که همه نوع تسهیل میشود حتی از شهری به شهری میتواند حمل

کنند يك جواز سفیدی درست کرده اند که بدون این که تا کسش را بدهند میتواند ببرند و بفروشند وقتی که فروخت آنوقت تا کسش را میدهد تمام این سهولت ها را داده اند و هیچ جای نگرانی نیست.

رئیس - آقایانیکه با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود: ماده سوم - در سال ۱۳۱۱ مؤسسه انحصار مجاز است نسبت بهريك از انواع و اجناس دخانیه با اخذ حقوق مذکوره ذیل تهیه و تجارت يك قسمت با تمام اجناس دخانیه را بموجب جواز مخصوص آزاد نماید.

۱ - توتون سیگار و سایر اجناس دخانیه که برای مصرف در سیگار بریده میشود از قرار بکمن ۳ تومان ب - توتون چپق نیم کوپ از قرار بکمن ۱۸ قران ج - توتون چپق اشنو - سلوانه - لاهیجان (از محال ساوجبلاغ مگری) و توتونهای مشابه آن ۱۶ قران د - توتون چپق سنندج - کرمانشاهان - ساوجبلاغ مگری و توتونهای مشابه آن ۱۱ قران ه - توتون چپق سقز و بانه - همدان - دهخوارقان نهاوند - تویسرکان - اطراف طهران و توتونهای مشابه آن ۷ قران و - کلیه اقسام تنباکو از قرار بکمن چهار قران و بانصد دینار تبصره - تنباکوی چوب قلیانی در صورتیکه در قلیان مصرف شود مشمول حقوق تنباکو خواهد بود ز - تنباکوی نسواری بکمن ۱۵ قران و انقبیه بکمن ۵ تومان ح - انواع توتون و سیگارت و سیگار های خارجه در صورتیکه ممنوعیت فعلی آن مرتفع گردد صدی دوست از قیمتی که وارد میشود ط - انواع کاغذ سیگار و متفرعات آن صدی پنجاه از قیمتی که وارد میشود.



تبصره ۱ قیمت ورودی عبارتست از قیمت خرید و خرج جنس در دفتر ورود با اضافه حقوق کمرکی و عوارض دیگری که بتوسط کمرک مأخوذ میگردد.

تبصره ۲ - وارد کردن اجناس دخانیه مذکور در فقرات ح و ط در صورتیکه ورود آنها موافق قانونی دیگری نداشته باشد بدون اجازه مؤسسه انحصار دخانیات ممنوع بوده و مستلزم ضبط جنس خواهد بود.

رئیس - آقای دیبا.

**طباطبائی دیبا** - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - لایحه که سابقاً از طرف دولت در این موضوع تهیه شده بود و تقدیم مجلس شد در شور اول نظری داشتند که آقایان وکلای ولایاتی که تنها کوی بست دارد که این مالیات نسبت بانها سنگین است نمیتوانند از عهده برآیند حقیقتاً بنده نسبت بهم خودم خیلی تشکر میکنم از هیئت دولت و اعضاء کبسیون که آن نظری که ما داشتیم در شور اول که انحصار را بمعنی حقیقی خودش اجرا کنند و مالکین و زارعین را از این زحمت خلاص کنند در ماده چهارم این نظر را تأمین کردند و حقیقتاً قابل تقدیر و تشکر است لکن بنده عرضی که داشتم این بود که در ماده سوم مالیاتهایی که وضع شده است برای توتون و تنباکو اینها مطابق ماده چهارم برای یکسال وضع شده است در قسمت تنباکو میخواستم عرض کنم همانطور که اطلاع دارند آقای وزیر مالیه بیشتر تنباکو عجالتاً بخارجه میرود یعنی مقدار مهمی از تنباکوی ایران بخارجه میرود این قسمت که از مالیات معاف است یعنی پس میدهد اگر هم پولی گرفته باشد برای حقوق انحصار وقتی که از کمرک خارج شد و صادر شد آن پول را پس میدهد این یک موضوع موضوع دوم این است که قلیان و تنباکو عجالتاً مصرفش کم شده است در داخله نسبت به چندسال قبل مصرفش کم شده است الان آدم قلیانی خیلی کم پیدا

و آن چیزی که بخارجه میرود البته مالیاتش را نمیگیرند از توتون هم نمیگیرند از توتون سیگار هم نمیگیرند اما در داخله هر دیناری يك عایداتی است برای دولت حالا چه نگرانی ممکن است در این باب داشته باشند حتی همچو فرض کنیم که همان اضافه مالیات سال اول هم همچو فرض خیلی مستبعد را بکنیم که بقدری سنگین باشد که برای زارعین مشکل باشد و در دستشان بماند يك قدری از محصولاتشان بماند در دستشان آخر سال که انحصار عملی میشود که دولت باید بخرد هر چه را نتوانستند بفروشند در سال آتی باقیش را که دولت میخرد پول نقد میدهد مطابق قیمتهای پنجساله اخیر در اینصورت هیچ جای نگرانی نیست و مذاکره کردن در باب این دهشاهی و يك تومان دیگر لزوم ندارد برای اینکه ما منظورمان معلوم است و از هر جایی يك مختصری مالیات برای دولت زیاد میشود و خیلی هم سنگین نیست و قتیکه توتون سیگار و توتون چپق نیم کوب و توتون چپق های مختلف میدهد تنباکو هم الان که سه قران میدهد يك چیزی هم اضافه بدهد و چون منظور اصلی ایشان حاصل شده امیدوارم دیگر در این باب اشکالی بمیان نیاید همه بکنواخت شده است قبولش هم برای یکسال است و بعد از آن هم انحصار میشود

رئیس - آقای اعتبار

**اعتبار** - موافقم

جمعی از نمایندگان - کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر راجع بکدام ماده است

**دکتر طاهری** - راجع بهمین ماده که مطرح است

رئیس - قرائت میشود.

**پیشنهاد آقای دکتر طاهری**

پیشنهاد میشود در آخر سطر تبصره اول عبارت در دفتر ورود تبدیل شود تا دفتر ورود.

**دکتر طاهری** - این پیشنهاد بنده يك چیز واضحی

است زیرا که مینویسد قیمت ورودی عبارت است از قیمت خرید و خرج جنس در دفتر ورود یعنی تا اینجا

که آمده باید خرج را معین کنند و این اشتباه شده

**مخبر** - بنده قبول میکنم

**رئیس** - آقای وزیر مالیه.

**وزیر مالیه** - بلی قبول است مطالبی نیست.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده سوم بامختصر اصلاحی که از طرف آقای دکتر طاهری پیشنهاد شده موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود.

ماده چهارم - از اول سال هزار و سیصد و دوازده دولت مکلف است خرید و فروش کلیه محصول دخانیه آن سنه و سنوات بعد را خود مباشرت نماید

مالکین محصولات دخانیه و اجناس و ادوات مربوطه بان مکلف خواهند بود که اموال مذکوره را با اخذ قیمة نقدی آن بموسسه انحصار دخانیات بفروشند

حد اقل قیمت خرید اجناس مذکوره در هزار و سیصد و دوازده میزان متوسط قیمت پنجسال اخیر بر طبق معاملات تجار خواهد بود و در سنوات بعد همه ساله مؤسسه انحصار دخانیات با در نظر گرفتن وضعیت محصول و بازار نرخ آن سال را معین و یکماه قبل از برداشت محصول در محل اعلان خواهد بود.

نظامنامه مربوط بعملی نمودن انحصار دخانیات قبل از هزار و سیصد و دوازده از طرف وزارت مالیه تهیه شده و بتصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد رسید.

**رئیس** - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - بنده در این ماده عرضی که دارم این بود که اصل فوائد انحصار که اکثر آقایان طرفدار آن بودند این بود که انحصار بتمام معنی اجرا شود و فوایدش برای محصول دخانیه این بود که وقتی زارع زحمت کشید و حاضر کرد دولت مکلف است پول او را بدهد یعنی بخرد و در این قانون این را پیش بینی نکرده زیرا که اینجا مینویسد مالکین محصولات دخانیه و اجناس و ادوات مربوطه بان مکلف خواهند بود که اموال مذکوره



را با اخذ قیمت نقدی آن بمؤسسه انحصار دخانیات بفروشند آنها مکلفند بفروشند ولی اداره انحصار مکلف نیست بخرد یعنی میتواند وقتیکه مال من حاضر شد بگوید من حالا لازم ندارم صبر کن آنوقت فوایدی که خیال می کردیم در اجرای کامل العیار قانون انحصار بمحصول وزارع مترتب است تأمین نشده بنده معتقدم در آخر این ماده اضافه شود اداره انحصار هم مکلف بخرد خواهد بود و الا صاحب جنس مکلف بفروش باشد ولی اداره انحصار مکلف بخرد نباشد فایده نخواهد داشت.

**وزیر مالیه** - معلوم میشود که همچو احتمال میدهند که دولت بخرد و بعد پولش را ندهد (طهرانچی - اصلاً نخرد) یا اینکه بگوید حالا نمیخرم بنده بسرکار اطمینان میدهم که غیر از این احتمال نود و نه احتمال دیگر هم می رود که باید بنویسیم که مثلاً اسکناس هم بدهد اگر پول سفید بدهد سنگین میشود اما این چه احتمال است بنده قبول میکنم میفرمائید بنویسیم پولش را هم بدهد و بخرد هر چه که میفرمائید قبول میکنم بنده اطمینان میدهم که دولت همان روز اول خواهد خرید و همچو احتمالی هیچ نیست هر چه که ایشان پیشنهاد بفرمایند بنده قبول میکنم **رئیس** - آقای اعتبار.

**اعتبار** - موافقم

**رئیس** - آقای طهرانچی پیشنهادی دارید

**طهرانچی** - بلی تقدیم میکنم

**پیشنهاد آقای طهرانچی**

اینجانب پیشنهاد میکنم به آخر جمله بمؤسسه انحصار بفروشند اضافه شود و اداره انحصار مکلف بخرد آن می باشد.

**طهرانچی** - بنده میخواستم در این باب توضیح عرض کرده باشم آقای وزیر مالیه فرمودند بنده نظرم این بود که دولت جنس او را بخرد و پول او را ندهد بنده نظرم این نبود عرض بنده این بود که دولت مکلف بخرد نیست یعنی ممکن است وقتی مال حاضر شد اداره انحصار نخرد بگوید حالا لازم ندارم نه اینکه بخرد و پولش را ندهد

ماده هفتم - از تاریخ اجرای این قانون نسبت بمتخلفین از مقررات آن برطبق فقرات ذیل رفتار خواهد شد.  
**الف** - هر کس اشیائی را که بموجب این قانون خرید و فروش و تملک آنها انحصار بدولت یافته قاچاق نماید مشمول قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۰۷ خواهد بود.

**ب** - هرگاه ادوات توتون سائی و دمار کوبی و ماشینهای سیگار بیچی در منازل اشخاص و غیر از تمرکز محل ماشین خانه کشف شود و همچنین هرگاه معلوم شود که اشخاصی هاون یا ماشین توتون بری دستی یا موتر یا ماشینهای کاغذبری و صحافی کاغذ سیگار و گیلزریزی و متفرعات آنها را برای بکار بردن در کار توتون بری و کاغذسیگار و گیلز و نظایر آن نگاهداشته و یا برای این مقصود بکار میبرند عین ماشین و هاون و ادوات مذکوره ضبط و مرتکب و معاونین او هر يك محکوم بپرداخت جریمه نقدی از پنجاه الی یکصد تومان خواهند شد و در صورت تکرار جرم بعلاوه جزای نقدی بحسب تأدیبی از یکماه الی شش ماه محکوم میشوند

**ج** - تخلف از ماده دوم این قانون موجب الزام بتحويل دادن تمام جنس بدون دریافت قیمت از مؤسسه انحصار خواهد شد.

**د** - اختلاط چوب، قلیانی کوبیده یا تنباکوی کوبیده و سائیده یا توتون چپق سائیده و توتون نیم کوب یا اجناس غیر دخانیه در توتون سیگار بریده یا در سیگار ممنوع و در حکم قاچاق است و متخلفین برطبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۶ اسفند ماه ۱۳۰۷ تعقیب خواهند شد.

**رئیس** - اشکالی نیست (نمایندگان - خیر) موافقین باماده هفتم قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده هشتم قرائت میشود: ماده هشتم - وزارت مالیه مجاز است قبوضی را که از بابت يك من یازده قران تفاوت حقوق توتون نیم کوب که

**طباطباتی دیبا** - اشکالی که در ماده اول و در قسمت حکمیت آن شد اینجا هم وارد است و بنده عقیده دارم که این ماده هم باید بکمسیون برود تا تکلیف آن پیشنهاد آقای شریعت زاده معلوم شود.

**رئیس** - پیشنهادی از آقای اعتبار دائر بمنظور آقا رسیده است.

**پیشنهاد آقای اعتبار**

پیشنهاد میکنم در آخر ماده پنج عبارت ذیل اضافه شود.

در صورتیکه برای تعیین مقوم مشترك توافق حاصل نشود برتنبیهی که در قانون حکمیت برای تعیین حکم مشترك پیش بینی شده عمل و مقوم مشترك تعیین خواهد گشت **اعتبار** - بند اینجا عین نظریه آقای وزیر مالیه را پیشنهاد کردم که این ماده که رفت بکمسیون بهمین نحو اصلاح شود زیرا نظر آقای شریعت زاده هم این بود که مقوم مشترك باین ترتیب تعیین شود بنده پیشنهاد کردم مطابق قانون حکمیت که راجع بانتخاب سه حکم است بهمان ترتیب مقوم مشترك انتخاب خواهد شد.

**وزیر مالیه** - یکدفعه دیگر قرائت شود.

**رئیس** - قبل از اینکه قرائت شود بنده توجه آقای وزیر مالیه را به آن پیشنهاد آقای شریعت زاده جلب میکنم که این دوتا باید باهم موزون باشد.

(پیشنهاد آقای اعتبار مجدداً قرائت شد)

**وزیر مالیه** - نکته که آقای رئیس فرمودند صحیح است و اینهم باید برود بکمسیون و هر دو بیک شکل درست بشود.

**رئیس** - ماده ششم قرائت میشود.

ماده ششم - کلیه اجناس دخانیه داخلی در موقع صدور بخارج از حقوق گمرکی معاف خواهد بود. و عوارض انحصاری مأخوذه از آنها مسترد میشود.

**رئیس** - موافقین با ماده ششم قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده هفتم:



تا تاریخ تصویب این قانون دریافت نموده اند بصاحبان آنها مسترد دارد.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده هشتم موافقت نظر دارند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - برای هر يك از اظهار نامه ها و تقاضا نامه های صدور جواز دخانیات برای نقل و انتقال در داخله دو قران بعنوان حقوق دفتری دریافت و در مقابل تمبر الصاق و باطل خواهد شد - حقوق البار داری و سیم بندی عدل ها و مهر سرپی و غیره مطابق نظامنامه که بتصویب کمیسیون قوانین مالیة مجلس شورای ملی خواهد رسید گرفته میشود تبصره - اجناسی که با جواز از نقطه بنقطه دیگر حمل مینمایند چنانچه بدون عذر موجه پنج روز دیرتر از مدت معینه در جواز وارد انبار مقصد بشود یا بمقصد نرسد علاوه بر حقوق انحصار منی ده شاهی جریمه از آن اخذ میشود **رئیس** - آقای روحی

**روحی** - بنده میخواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که مقدار قیمت پلمب و سیم کشی و اینها را بهمین شکل و قیمتی که تمام میشود دولت میکشد یا اینکه از این بابت هم يك مقداری اضافه میشود

**وزیر مالیه** - اینجا چیزی اضافه نمیشود و در عمل پلمب و سیم و اینها يك چیزی معمول بود این را خواستیم قانونی شود و همان چیزی که خرج میشود گرفته میشود.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - بنده با این تبصره کاملاً مخالفم دلیلش را هم عرض میکنم فرض بفرمائید جنس را آوردند انبار بوظیفه اش عمل کرده آورده بانبار حالا میخواهد حمل کند بیک نقطه دیگر جواز هم اداره داده است پلمب هم کرده تمام کارهایش را کرده اینجا می نویسد چنانچه بدون عذر موجه پنجروز دیرتر از مدت معینه در جواز وارد انبار مقصد بشود یا بمقصد نرسد یکمن ده

و تمام مقررات قانون قاچاق درباره او مجری میشود ولی اینجا موردی پیدا نخواهد کرد فقط يك چیزی که هست یکچارواداری همانطور که فرمودند محض اینکه دو استفاده کرده باشد دو باره بیاورد برساند دیرتر بیاورد برساند و اینهم تقصیر تاجر نخواهد بود بفرمائش خودشان یعنی آنکسی که جواز حمل میکشد تقصیر ندارد چاروادار از برای اینکه يك استفاده بکند وسط راه می اندازد که يك بار دیگر را هم آورده باشد دو بار آورده باشد سه بار آورده باشد تقصیر آن تاجر بیچاره چیست که جریمه اش را بدهد آن چاروادار این کار را کرده است و بنده تصور میکنم که اگر موافقت بفرمایند این تبصره حذف شود هیچ قاچاق نخواهد شد.

**وزیر مالیه** - کاملاً باصل موضوع توجه نفرمودید حق هم دارید برای اینکه تمام کارهای انحصار را مسبوق نیستید این مسئله چاروادار و اینها نیست اگر این را حذف بفرمائید نتیجه اش این می شود که هیچ جواز نمی دهند اداره انحصار مجبور نیست جواز بدهد این يك مسامحه و سهولتی است که اول هم عرض کردم اداره انحصار دخانیات ارفاق زیادی در باره تاجر و مردم میکند که پول نداده اند حتی استعمال میدهند برای پولش که بروند بفروشند و پولش را بدهند انواع و اقسام تسهیلات را میکند یکی از آن تسهیلات این است که جواز سفید میدهد برای اینکه تا کس را نگرفتند تاجر ببرد به آنجا برساند و اگر این بدانند که امکان دارد آنرا از تبریز بیاورد حضرت عبدالعظیم بگذارد آنوقت برگردد برود از قزوین هم بموجب جواز بیاورد اینجا آن یکی را هم که از حضرت عبدالعظیم آوردنش صعوبتی ندارد ولی آنوقت این مسئله باعث این می شود که این تسهیلاتی را که قانوناً مکلف نیست که تا کس نگرفته جواز بدهد آنرا نکند.

**رئیس** - آقای وثوق

**وثوق** - موافقم

**رئیس** - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - عرض کنم بنده هم اتفاقاً با این

تبصره مخالفم و اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند اگر تبصره حذف شود ممکن است قاچاق شود بنده عرض میکنم اگر سازبانی جنسی را بموجب جواز سفید حمل کرد یا بوسیله يك شفر و آن صاحب ماشین آمد و تأخیر کرد و نرساند بموقع در آن بارنامه هم قید شده فرض کنید ده روز بمقصد برساند و او تأخیر کرد و دیر رسید و عذر موجهی هم نداشت بالاخره این صاحب مال از بین برود برای اینکه حامل آمده قصور کرده این منطقی نیست بعقیده بنده این جا اگر ما بخواهیم يك جریمه قائل شویم در صورتیکه متصدی تخلف کرده باشد جریمه را متوجه بخود او بکنیم متوجه تاجر نکنیم برای اینکه او آمده است و بسرویس حمل و نقلی که در يك نقطه هست جنس را تحویل داده و جوازی هم گرفته است آن اداره حمل و نقل نرسانده است آنوقت این جنس او را ضبط کنند برای اینکه حامل تأخیر کرده است منطقی نیست.

**مخبر** - عرض میکنم این فرض حضرت آقای ملک مدنی گمان میکنم عبارت از همان عذر موجه باشد فرخاً از مجلسی يك موتوری مال داده شد بیاورد و موتورچی خبات کرد و تخلف کرد و برخلاف سندی که معمول است و مبادله می کنند رفت و مالی را معطل گذاشت و ثابت شد که این معطل گذاشته از برای صاحب مال خود این يك عذر موجهی است و منظور از عذر موجه يك عذر معینی که نیست همینطور چاروادار همینطور سایر حوادث اتفاقیه و گمان میکنم جای نگرانی نباشد جمعی از نمایندگان - کافی است.

**رئیس** - پیشنهاد آقای فرشی قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای فرشی:**

این بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده نه حذف شود.

**فرشی** - بعقیده بنده این پیشنهاد

**مخبر** - بنده تر آقا

**فرشی** (در پشت کرسی نطق) - بنده عقیده ام

این است که این تبصره حذف شود برای اینکه این تبصره قطع نظر از اینکه تولید اشکالات بین تاجر و



مکاربان و انحصار دخانیات میکند ابدأ فایده برای اداره انحصار دخانیات نخواهد داشت مثلاً می نویسد اگر بیشتر از پنج روز تأخیر کرد فلان مقدار تومانی دهشاهی باید صاحب مال جرم بدهد حالا تصور فرمائید يك چارواداری مال را حمل میکند و این حمل و مسافرت معلول است بحوادث آنچه که پیش میاید فرضاً در نتیجه يك حوادثی اگرچه اینجا می نویسد اگر عذر موجه نداشته باشد یعنی عمداً تأخیر نشده باشد اولاً اثبات این خیلی اشکال دارد ثانیاً فرض کنید قصور کرد چاروادار این مال را پنج روز شش روز ده روز دیرتر آورد آنوقت این تومانی دهشاهی را باید صاحب مال بدهد این چه عدالتی است که يك سائلی يك اجیری قصور کرده من که تقصیر نداشتم باید جرم بدهم؟ این است که بنده این را زائد میدانم و پیشنهاد کرده که حذف شود

**وزیر مالیه** - اینکه آقای فرشی اظهار کردی فرمودند که ممکن است اسباب زحمت شود و همچو قانونی وضع میکنید و مردم باشکال میافتند عرض کردم که موجود است این قانون در قانون سابق هم بوده خیلی کمتر از این و هیچ اسباب اشکال هم نشده همیشه هم میاورند و در مواعیدش میرسانند و اگر نیاورند البته جریمه هم میگیرند اما آمدیم شرف دیرتر آورد این را جوابش را آقای کازرونی دادند اولاً این است که اگر شرف مبنای بزحمت شده باشد و دیرتر بیاورد عذر موجهی است و هر کس با کاراژ يك قراردادی می بندد که این را در فلانجا و فلان محل برساند اگر از من که مجبور شدم در يك موردی بدون عذر موجه يك جریمه بدهم بگیرند من هم اقامه دعوی میکنم بر علیه آنکسی که او باعث ضرر من شده است ولی نمی شود این را آزاد بگذاریم اگر آزاد بگذاریم باعث شیوع قاچاق می شود و غیر ممکن است یعنی باعث موقوفی این سهولتی است که الآن تجار دارند برای اینکه مطابق قانون انحصاری که شما گذاشته اید هر کس که در انبار آورد مثل تریاک باید تا کشتن را بدهد و ببرد خوب بود از اینهم همینطور خواهد شد که اگر کسی تا کس را ندهد

**وزیر مالیه** - عرض کنم تمام امور جزائی و جریمه که در مملکت معمول است برای افراد همین حال را دارد اگر من بيك کسی چیزی را فروخته ام که در فلان موقع باید تحویل بدهم و بيك کسی آمد در خانه من و آن جنس را برد آن صاحب مال دیگر محکوم نمیشود؟! اداره دخانیات نمیتواند شوferها را مسئول قرار بدهد اصلاً شوferها چه مسئولیتی دارند که اداره انحصار بقیه آنها را بچسبد. صاحب مال می رود با کاراژ و شوfer قرار میگذارد میگوید تا فلان تاریخ باید برسانی فعلاً سه شبه تا پنجشنبه هم بتو مهلت میدهم پنج روز هم علاوه بر مدت حق دارد اما بدان که اگر نرسانی برای من اسباب زحمت است و باید من جریمه بدهم و تصدیق کنید که اگر این جریمه گرفته نشود اداره انحصار با صاحب مال طرف است نمیتواند آنها را ول کند و بچسبد به شوferها خودتان تصدیق فرمائید آنوقت اداره انحصار مثل اداره نظمیه و مأمورین امنیه و نظمیه باید در این کار دخالت کنند عملش همین است اتفاق هم کم می افتد همینجور ماده هم چند سال است مجری است و اگر اتفاق بیفتد صاحب مال جریمه باید بدهد برای اینکه چون میدانند باید جریمه بدهد بموقعش میرساند و وقتی که جریمه را داد آنوقت برود از شوfer بگردد.

**اعتبار** - بنده استرداد میکنم

**رئیس** - شبیه این پیشنهاد را آقای شریعت زاده کردند.

**شریعت زاده** - بخوانند

**رئیس** - بعین مساوی است.

**اعتبار** - بخوانند.

**پیشنهاد آقای شریعت زاده**

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بر قسمت اخیر تبصره اضافه شود. مشروط بر اینکه جهت تعویق عمداً از طرف مالک ایجاد نشده باشد.

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - عرض میشود که تأخیر وصول این مال یا ناشی از مالک است یا از حمل کننده اگر بواسطه تقصیر حمل و نقل چی تأخیر شده باشد البته نمیشود مالک را تعقیب کرد و نباید جریمه شود و بعلاوه مسئله اینکه تأخیر منسوب بمالک باشد و عمدی باشد این را هم تصریح کرد اگر نشود بطور کلی هر مالی که تأخیر شود از طرف مالک این صحیح نیست بنظر بنده این قسمت اخیر پیشنهادش از طرف بنده برای این بوده است که (بنده میخواستم پیشنهاد حذف این را بکنم این ضرورت ندارد) باید يك نظامنامه خاصی در خصوص حمل و نقل از طرف دولت پیشنهاد به مجلس شود و اشخاصی که حمل و نقل چی هستند چون موضوع حمل و نقل خیلی مهم است از نقطه نظر اوضاع عمومی مملکت اینرا يك ترتیب صحیحی بدهند و الا هیچ تاجری نمی آید عمداً تأخیر بکند در کار باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم که لااقل آقای وزیر مالیه بپذیرند

**مخبر** (آقای کازرونی) - اگر چه جواب این را قبلاً آقای وزیر مالیه دادند لکن اگر عین عبارتی را که آقای شریعت زاده پیشنهاد کردند بپذیریم (جمعی از نمایندگان - نشنیدیم آقا بلند تر فرمائید) بایستی دولت همیشه رجوع به تاجر طرف بکند (ملک مدنی فرمائید پشت تریبون) که ببینند که عمداً کرده است یا نکرده است (همهمه نمایندگان - زنگ رئیس) در صورتیکه او باید ثابت کند (نمایندگان - آقا فرمائید پشت تریبون نمی شنویم) (دستی همین بهتر است که مختصر فرمائید) که عمداً همچو کاری کرده یا نکرده در هر صورت نظر خوبی است سابقه هم دارد عمل هم مبتنی بر این است هیچوقت هم ایجاد اشکالی نکرده

**رئیس** - آقایانی که پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده قرائت میشود



پیشنهاد آقای دهستانی :

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه جریمه نوشته شود. از محل کرایه مکاری اخذ میشود

**کازرونی** - - خدا رحمت کند قاضی بلخ را

**رئیس** - آقای دهستانی

**دهستانی** - عرض کنم که آقایان تازه خیال میکنند يك جنسی از محلی میخواهد به محلی حمل شود خیر این قضیه سابقه دارد معمول این است که کسر بار تأخیر رساندن به مقصد همیشه معمولاً با حامل بوده است حامل که مقصد شد از تاجر و صاحب مال چرا باید این جریمه را بگیرند و این دور از انصاف است و بنده بهتر از این نظر نظری ندیدم.

**وزیر مالیه** - اگر چه بنده جواب عرض کرده‌ام و لیکن مقصود این است که هم منظور دولت حاصل شود هم منظور آقایان. هر کس با يك کاراژ معتبری با يك شوفوری حمل و نقل میکند همان شرط را با او بکند. نظر بنده این است که اداره انحصار نمیتواند با شوفرها طرف بشود و در عمل هم اشکالی تولید نمیشود اگر هم اشکال شد عرض کرده که از نجات باید بگیرد.

**رئیس** - آقایانی که پیشنهاد آقای دهستانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. آقای ملک شمام پیشنهادتان را تعقیب میکنید.

**ملک مدنی** - این مفاد همان پیشنهادی است که آقای اعتبار الدوله کردند

**رئیس** - میخواهیم

پیشنهاد مینمایم عبارت ذیل به تبصره اضافه شود چنانچه حامل در رساندن جنس دخانیه غفلت نماید

صاحب مال مسئولیت نخواهد داشت.

**رئیس** - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - عرض کنم بنده عرایضی که کردم

**ملک مدنی** - استرداد میکنم.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده نه موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دهم قرائت میشود

ماده دهم - اداره کل تجارت و اداره گمرکات مکلف خواهد بود که قبل از دادن تصدیق صدور نسبت بمواد دخانیات که صادر میگردد و یادادن جواز ورود برای اجناس و ادوات مربوطه بدخانیات اجازه کتبی انحصار دخانیات را از صادر بیاورد کنند. تقاضا نماید.

**رئیس** - آقای ظهر انچی.

**طهرانچی** - خوبست بفرمائید اجازه کتبی در موضوع صادرات است در مسئله دخانیات و اجناس دخانیه همان جوازشان چون با طبیعت هر حق صدور جوازی خواهد بود اجازه کتبی غیر از آن جواز است با همان جواز است؟ اگر سوای آن باشد يك مشکلاتی از برای صادرات تولید میشود که غیر از آن جوازی را بگیرد يك اجازه کتبی هم باید بگیرد و این تماس زیاد صاحب مال است به ادارات دولتی و قدری تولید اشکال میکنند.

**وزیر مالیه** - این مسئله دو طرف دارد دو شرط دارد یکی این است که خود اداره فعلاً جواز ورود نمیدهد جزو امتعه مجاز نیست در قانون انحصار تجارت. منظور این است اگر يك جوازی بدهند یعنی در یکی از سالها جزو سهمیه امتعه وارد مملکت بشود در آنسال میشود مثل یکسال قبل در آنوقت هم باید از اداره دخانیات جواز بگیرد.

**طهرانچی** - صادر را عرض کردم البته ورود را از اداره انحصار باید جواز بگیرد.

**وزیر مالیه** - این جا صحبت از صدور است صدور هم البته جواز دارد دیگر یعنی منظور این است که اداره گمرک جواز را مطالبه بکند منظور همان است.

**رئیس** - قبول کردید؟

**طهرانچی** - توضیح داند که اجازه کتبی همان جواز است

**رئیس** - موافقین باماده دهم قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** تصویب شد. ماده یازدهم قرائت میشود.

ماده یازدهم - برای سرمایه انتفاعی مؤسسه انحصار دولتی دخانیات مجاز است بتصویب وزارت مالیه دو میلیون تومان از بانک ملی و یا بانکهای دیگر استقراض و با اجازه وزارت مالیه حق اخذ و مصرف آن را خواهد داشت.

**رئیس** - آقای دبا

**دبا** - در این ماده استقراض را اجازه داده شده ولی پرداخت را آنجا نوشته‌اند بنده عقیده‌ام این است چنانکه در ماده سوم قانون انحصار قند و شکر نوشته شد که استقراض کنند بعد پردازند آن عبارت عیناً اینجا نوشته شود. بعد هم اینجا نوشته که حق اخذ و مصرف آنرا خواهد داشت. در صورتیکه استقراض را اجازه میدهند البته حق اخذ و مصرف هم خواهد داشت و این عبارت دیگر لازم نیست.

**وزیر مالیه** - عرض کنم این ماده در قانون سابق هم بود اول سال يك قراردادی با بانک ملی میگذارند محتاج دو میلیون هم اغلب نشده است بعضی اوقات يك میلیون و يك میلیون و نیم الی دو میلیون حساب جاری باز می‌کند برای خرید و فروش نوتون و اینها و آخر سال هم تسویه میکنند و بعضی اوقات در آخر سال هم يك چیزی باقی می‌ماند می‌برند بحساب جاری سال آینده عمل بر این جاری است همینطور هم می‌شود اگر هم میخواهید آخرش بنویسید که رد بکنند بنویسند ولی بنویسید که در همان سال رد بکند در همان سال لازم نیست البته رد می‌کند قرض دائمی که نمی‌کند.

**رئیس** - آقای نواب

**حسینقلی خان نواب** - عرض کنم که اینجا مینویسد دو میلیون تومان از بانک ملی یا بانکهای دیگر. خوبست نوشته شود که مقصود بانکهای است که تأسیسات در ایران است یا جاهای دیگر و اگر منظورشان بانکهای است که در ایران تأسیس شده خوبست ذکر شود.



**وزیر مالیه** - صحیح است نکته را که فرمودید مقصود بانکهای است که در ایران هستند یا داخلی یا خارجی. ما از بانک ملی میگیریم ولی بانکهای دیگر می نویسیم برای اینکه در قانون حاجت نیست دولت خودش را مجبور کند که از يك بانک بگیرد برای این که اگر معامله شد از جای دیگر بتواند بگیرد مانهی ندارد نوشته شود بانک ملی یا بانکهای دیگر که در ایران است.

**رئیس** - پیشنهادی از آقای ارباب کیخسرو رسیده قرائت می شود:

**پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو:**

اصلاح ماده یازدهم دخانیات را این قسم پیشنهاد میکنم ماده پانزدهم - برای سرمایه انتفاعی مؤسسه انحصار دولتی دخانیات مجاز است دو میلیون تومان از بانک ملی و بانکهای دیگر با تصویب و اجازه وزارت مالیه استقراض و اخذ و بصرف رساند

**رئیس** - آقای ارباب کیخسرو

**ارباب کیخسرو** - این اصلاحی که بنده پیشنهاد کرده ام تقریباً همان ماده است منتهی بعضی عبارتهایش ریش و پس شده است و محتاج باصلاح است اینجا مشاوره هم شد با آقای وزیر مالیه و مخبر کمیسیون تصویب کردند فقط چیزی که اینجا علاوه خواهد شد همان چیزی است که تذکر هم داده شد نسبت به بانکها که ذکر شود بانکهای داخلی.

**مخبر** - بله البته پیشنهاد آقای ارباب مختصرتر است و قبول میکنیم لکن بانکهای دیگر که فرمودند بانکهای داخلی در ایران.

بعضی از نمایندگان - بانکهای دیگر در ایران.

**مخبر** - بانکهای داخلی در ایران یا بانکهای دیگر در ایران

**رئیس** - آقای ارباب این تصحیح را شما می کنید.

**ارباب کیخسرو** - بلی

**رئیس** - این تصحیح عبارت است از (یا بانکهای دیگر در ایران). پیشنهادی از آقای دیا رسیده است:

**پیشنهاد آقای دیا:**

پیشنهاد می نمایم ماده یازدهم اصلاح ذیل بشود: و با اجازه وزارت مالیه اخذ و مصرف نموده و اصل و فرع آن را از محل عواید حاصله از معاملات دخانیات پردازد

**رئیس** - آقای طباطبائی

**طباطبائی دیا** - توضیحش را عرض کردم اینجا استقراض که نوشته می شود پرداخت هم باید نوشته شود آقای وزیر مالیه فرمودند که مربوط بهمان سال نباشد بنده هم قبول کردم.

**وزیر مالیه** - این موضوع را اول عرض کردم صحیح است قبول هم میکنم ولی از عواید حاصله باید نوشته شود از عواید تجارتي نه از تاکس و اینها

**طباطبائی دیا** - خیلی خوب از عواید تجارتي نوشته شود.

**رئیس** - این اصلاحی است بر اصلاح آقای ارباب باید کتابت بفرمائید.

(تصحیح پیشنهاد از طرف آقای دیا تقدیم شد)

**رئیس** - قرائت شد حالا تصحیح کردیم با تصحیح قرائت می شود:

و با اجازه وزارت مالیه اخذ و مصرف نموده اصل و فرع آنرا از محل عواید تجارتي معاملات دخانیات پردازد.

**مخبر** - اجازه میفرمائید قبول میکنم لکن عبارتی که نوشته می شود تجارتي بطور اطلاق البته منظورشان تجارتي دخانیات است.

**رئیس** - حالا مجموع را تصحیح میکنم و قرائت میشود: ماده ۱۱ - برای سرمایه انتفاعی مؤسسه انحصار دولتی دخانیات مجاز است دو میلیون تومان از بانک ملی یا بانکهای دیگر در ایران با تصویب و اجازه وزارت مالیه استقراض و اخذ و مصرف نموده اصل و فرع آنرا از محل عواید تجارتي از معاملات دخانیات پردازد.

**مخبر** - قبول میکنم

**رئیس** - آقای وزیر مالیه هم این اصلاحات را قبول میکنید؟

نگاه میدارند از تاریخ تصویب این قانون ملغی خواهد بود

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - بنده راجع باین قسمت در شور اول اشکالی کرده ام عرض کردم که اگر از تاریخ تصویب این قانون قانون سابق ملغی شود چون تاریخ اجرای این قانون با تاریخ تصویب تفاوت دارد لازمه اش این است که در يك مدتی راجع باین مسائل قانونی نباشد این است که بنده نظرم این است که نوشته شود آن قانون از تاریخ اجرای این قانون ملغی خواهد بود نه از این تاریخ زیرا اگر از این تاریخ ملغی شود لازم می آید يك مدتی قانونی در مملکت نباشد در صورتیکه خود دولت هم این نظر را ندارد

**وزیر مالیه** - صحیح میفرمائید بجای تصویب اجرا باید نوشته شود

**رئیس** - رای میگیریم بماده سیزدهم با اصلاحات مختصری که از طرف آقای شریعت زاده شد موافقت قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده چهاردهم قرائت میشود: ماده چهاردهم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون خواهد بود.

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - بنده معتقد هستم که در اینجا لازم است تاریخ اجرای این قانون معین شود اگر دولت موافق است نوشته شود از اول فروردین بموقع اجرا گذارده میشود.

**وزیر مالیه** - این هم مانعی ندارد

**رئیس** - که تاریخ اجرای این قانون از اول فروردین باشد؟

**وزیر مالیه** - بلی

**رئیس** - آقایانی که با ماده چهاردهم با اصلاحی که شد موافقت دارند قیام فرمائید.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. برای ورود در شور کلیات

**وزیر مالیه** - بلی

**رئیس** - موافقت با ماده یازدهم بطریقی که اصلاح شد قیام فرمائید

(اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دوازدهم قرائت میشود ماده دوازدهم - کلیه ماشینهای توتون بری و گیلز ریزی و ماشین سیگار پیچی و صحافی کاغذ سیگار و متفرعات آنها در صورتیکه خود اداره انحصار برای مصرف خود وارد نماید از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.

**رئیس** - آقای فرشی

**فرشی** - این ماده بعقیده بنده اصلا زیادتی است زیرا بموجب قانونی که دوره هفتم از مجلس گذشت ورود ماشین آلات برای مملکت از تأدیبه گمرکی معاف است دیگر دوباره در اینجا ماشین ها را داخل کردن واسم بردن بنده عقیده ام این است که لزومی ندارد.

**وزیر مالیه** - آقا ممکن است آن عبارت قانون سابق اگر نظرتان هست بفرمائید (فرشی - الان در دست ندارم خاطر م بود) چون آنطوری که ما تصور کردیم شامل آن نمیشود و این تصریح لازم است

**رئیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - عرضی ندارم

**رئیس** - آقایانی که با ماده دوازدهم موافقت دارند قیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود ماده سیزدهم - قانون انحصار دولتی دخانیات مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۰۷ و قانون مصوب سیزدهم آبانماه ۱۳۰۹ راجع بحقوق انحصار دمار توتون سیگار و چپق و هم چنین قانون مصوب سیزدهم آبانماه ۱۳۰۹ راجع به مجازات اشخاصی که هارن و ماشین توتون بری دستی در منازل خود



چون دو ماد. به کمیسیون مرجوع شده باید انتظار اصلاح آنرا داشته باشیم. آقای وزیر مالیه  
**(۴) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه)**  
**وزیر مالیه** - دو لایحه دارم که بمجلس تقدیم میکنم یکی راجع است به اخذ اعتباری از ذخیره مملکتی برای مصرف مهمات لشکری و یکی دیگر خود بودجه مملکتی هزار و سیصد و یازده است بودجه مملکتی را امروز تقدیم میکنم البته ترتیب جاری میشود و طبع و توزیع هم ممکن است بشود ولی برای سهولت کار خود

بنده هم این کار را کرده ام یعنی ماشین کرده ام بعد کسافی امروز تمنی کردیم به آقایان داده شود اگر لازم بدانند که دوباره طبع و توزیع شود و الا همان را کافی بدانند.

[ ۵ - موقع جلسه - بعد ختم جلسه ]

**رئیس** - اگر موافقت میفرمائید جلسه را ختم میکنیم (صحیح است) جلسه آینده یکشنبه ۲۳ اسفند سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح موجوده

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

راجع به مخارج و عوائد حاصله از انحصار خرید و ورود و فروش قند و شکر و کبریت

ماده اول - دولت مجاز است از تاریخ تصویب این قانون منافع حاصله از انحصار خرید و ورود و فروش قند و شکر (موضوع قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴) را بعد از وضع سرمایه و مبالغی که مطابق ماده سوم قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴ برای مصرف مقرر در ماده ۹ همان قانون تخصیص یافته و همچنین حقوق گمرکی و عوارض راه (موضوع قانون ۱۹ بهمن ۱۳۰۴) و سایر عوارض مقرر در جزو عایدات عمومی مملکت محسوب نماید.  
 ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون انحصار ورود و همچنین خرید و فروش کبریت بدولت واگذار شده و عوائد حاصله از آن بعد از وضع سرمایه و عوارض راه بجمع عایدات عمومی مملکتی منظور خواهد شد  
 ماده سوم - وزارت مالیه مجاز است در سال ۱۳۱۱ برای سرمایه و مخارج اجرای انحصار دولتی قند و شکر و کبریت از بانک ملی یا یکی از بانکهای دیگر تا مبلغ سه میلیون تومان قرض کند و اصل و فرع آنرا از محل عوائد حاصله از معاملات قند و شکر و کبریت بپردازد.

تبصره - ماده ۱۰ قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

ماده چهارم - حقوق مذکوره در ماده سوم قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ شامل قند و شکر مصنوع داخلی

نیز خواهد بود

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه نوزدهم اسفند ماه یکم هزار و سیصد و ده شمسی بتصویب

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

مجلس شورای ملی رسید